



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - ادله حجیت خبر واحد - دلیل اول: کتاب - آیه نبأ - مصادف با: ۸ جمادی الثانی ۱۴۴۶
بررسی استدلال به مفهوم شرط - بررسی اشکال ششم - پاسخ محقق نایینی به اشکال ششم - بررسی پاسخ محقق نایینی
سال شانزدهم
جلسه: ۵۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در اشکال ششم به استدلال به آیه نبأ از طریق مفهوم شرط بود. محصل اشکال ششم این است که اگر بخواهیم برای این آیه مفهوم قائل شویم یکی از این دو تالی فاسد را شاهد خواهیم بود؛ یا باید بگوییم خبر عادل در موضوعات حجت است که این خلاف مشهور است، یا باید ملتزم به خروج مورد آیه (که اخبار به ارتداد بنی المصطلق بود) از آیه بشویم که این نیز مستهجن است. خروج مورد از شمول یک عام قابل قبول نیست، توضیح دادیم چرا اگر قائل به مفهوم شویم یکی از این دو مشکل پیش می آید لذا برای اینکه مبتلا به این دو مشکل نشویم باید بگوییم آیه مفهوم ندارد.

بررسی اشکال ششم

عرض کردیم محقق نایینی از این اشکال پاسخ دادند، پاسخ محقق نایینی را ذکر می کنیم تا بعد ببینیم این پاسخ قابل قبول است یا خیر؟

پاسخ محقق نایینی

ایشان می فرماید بر فرض که آیه نبأ مفهوم داشته باشد، ما با دو عموم مواجه هستیم: یک عموم در ناحیه منطوق؛ یک عموم در ناحیه مفهوم.

«إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» منطوق آیه است؛ یعنی اگر فاسقی برای شما خبری آورد پس در مورد آن خبر تبیین و جستجو کنید. مورد این آیه همانطور که گفته شد اخبار به ارتداد بنی المصطلق است؛ یعنی چون ولید فاسق خبری مبنی بر ارتداد بنی المصطلق آورد و ممکن بود با ترتیب اثر بر آن مشکلاتی پیش بیاید این آیه نازل شد که اگر فاسقی برای شما خبری آورد در مورد خبر او تفحص و جستجو کنید. منطوق آیه بدون تردید شامل این مورد است؛ چون به صورت کلی و عام می گوید اگر فاسق خبری آورد تبیین کنید و ولید به عنوان یک فاسق مشمول این عام است، پس در شمول منطوق نسبت به مورد آیه بحث و تردیدی وجود ندارد. می آییم سراغ مفهوم آیه، مفهوم این است که اگر عادل برای شما خبری آورد تبیین لازم نیست. پس مفهوم درباره اخبار عادل به نبأ است، نه اخبار به ارتداد بنی المصطلق، یعنی این مورد اساساً داخل در عموم مفهوم نیست، مفهوم عمومیت دارد، می گوید هر عادل برای شما خبر آورد لازم نیست تفحص کنید، اگر این مفهوم شامل مورد بود و ما می خواستیم آن را خارج کنیم مستهجن بود ولی وقتی اساساً آن مورد از اول داخل در این مفهوم عام نیست مشکل خروج مورد پیش نمی آید.

عام منطوقی شامل مورد آیه هست و قرار نیست که آنجا تخصیصی بخورد، در مورد منطوق خروج از مورد پیش نمی‌آید، چون می‌گوید اگر فاسق برای شما خبر آورد باید تبیین کنید، هر فاسقی از جمله ولید که اخبار به ارتداد بنی المصطلق داده و ضرورتی برای تخصیص و خارج کردن این مورد وجود ندارد و لذا استهجان نیز پیش نمی‌آید. ولی در ناحیه مفهوم نسبت به مورد شمول ندارد. مفهوم می‌گوید اگر عادل برای شما خبر آورد تبیین لازم نیست. موضوع قضیه مفهومی چیست؟ اخبار العادل بالنبأ، این عام است و ربطی به اخبار العادل به ارتداد بنی المصطلق ندارد. لذا اینکه مستشکل می‌گوید اگر ما حجیت خبر عادل را به عنوان مفهوم آیه بپذیریم مستلزم خروج مورد آیه از مفهوم آیه می‌شود و این مستهجن است، مردود است. زیرا این مورد مفهوم آیه نیست، مورد منطوق آیه است.

ان قلت: اینکه شما می‌گویید این مورد داخل در منطوق آیه است و در مفهوم آیه داخل نیست، لازمه‌اش این است که بین قضیه منطوقیه و قضیه مفهومیه تغایر پیش بیاید. یعنی گویا موضوع قضیه منطوقیه با موضوع قضیه مفهومیه متفاوت است. طبق این بیان شما، موضوع در قضیه منطوقیه اخبار الفاسق به ارتداد بنی المصطلق است، اما موضوع در قضیه مفهومیه اخبار العادل بالنبأ است و بین این دو فرق است. اخبار العادل به ارتداد بنی المصطلق ربطی به مفهوم ندارد، بلکه موضوع آن اخبار العادل بنبأ است. بنابراین لازمه سخن شما این است که موضوع این دو قضیه یکی نباشد؛ در حالی که در قضیه مفهومیه و منطوقیه مغایرت در سلب و ایجاب است ولی موضوعشان باید یکی باشد.

قلت: آنچه در مورد قضیه منطوقیه و مفهومیه معتبر است اتحاد در موضوع است نه اتحاد در مورد. بلکه مورد این دو متفاوت است، مورد قضیه منطوقیه ارتداد بنی المصطلق است ولی در ناحیه مفهوم چنین موردی وجود ندارد و این لطمه‌ای به اتحاد دو قضیه در موضوع نمی‌زند، در این دو قضیه موضوع باید واحد باشد، اما اتحاد مورد لازم نیست. لذا از نظر موضوعی اتحاد وجود دارد، یعنی اخبار بالنبأ چه در منطوق و چه در مفهوم، منتهی مخبر در منطوق فاسق است و در مفهوم غیر فاسق و عادل؛ می‌گوید اگر فاسق بود تبیین لازم دارد و اگر عادل بود تبیین لازم نیست، و این موجب تغایر در موضوع نیست، طبیعتاً مفهوم یعنی یک فرضی غیر از منطوق است. آنجا اخبار الفاسق بود بالنبأ که حکمش لزوم تبیین است، اینجا اخبار العادل بالنبأ است که حکمش عدم لزوم تبیین است. پس اشکال به اینکه اگر ما قائل به مفهوم شویم و خبر عادل را حجت بدانیم، مستلزم خروج مورد آیه، یعنی اخبار به ارتداد بنی المصطلق از مفهوم آیه می‌شود و این مستهجن است، وارد نیست. زیرا اساساً مورد آیه داخل در منطوق است و ربطی به مفهوم ندارد. منطوق آیه شامل مورد خودش یعنی ارتداد بنی المصطلق می‌شود و هیچ تخصیصی هم لازم نیست، ولی مفهوم یک ضابطه کلی را بیان می‌کند و تخصیص آن نیز هیچ اشکالی ایجاد نمی‌کند، یعنی ما می‌توانیم بگوییم مفهوم آیه این است که اگر عادل خبری آورد خبر او حجت است الا فی الموضوعات الخارجیه؛ این چه اشکالی دارد؟ این تخصیص عیبی ندارد، خلاف مشهور نیز مرتکب نشدیم.

پس اساس حرف مستشکل این بود که اگر قائل به مفهوم شویم و حجیت خبر عادل را به عنوان مفهوم آیه بپذیریم این یا سر از خروج مورد مستهجن در می‌آورد یا خلاف مشهور مرتکب شدن، در حالیکه با این بیان هیچکدام از اینها پیش نمی‌آید، زیرا اصلاً مفهوم شامل این مورد نیست و خروج مورد پیش نمی‌آید و اگر هم بگوییم حجیت خبر عادل به عنوان مفهوم آیه قابل استفاده است، تخصیص زدن آن هیچ محذوری ندارد، لذا آیه دلالت می‌کند بر حجیت خبر عادل مفهوم‌ها ولی موضوعات خارجی با خبر عادل

ثابت نمی‌شود. آنجا نیاز به دو عادل است، اگر در موضوعات خارجی تخصیص بزنییم و بگوییم خبر عادل در موضوعات خارجی حجت نیست این هیچ مشکلی ندارد.^۱

بررسی پاسخ محقق نایینی

یک اشکالی به این پاسخ محقق نایینی شده است:

اشکال به پاسخ محقق نایینی

در آیه ضمن اینکه یک ضابطه کلی بیان شده بر عدم تبیین نیز ملامت کرده و توییح نموده است. زیرا می‌گوید اگر فاسقی برای شما خبر آورد تبیین کنید، این معنایش این است که چرا بدون تبیین دارید سخن ولید را می‌پذیرد و بر آن اثر مترتب می‌کنید؟ این یعنی توییح مسلمانان و ملامت آنها مبنی بر پذیرش خبر ولید.

پس گویا مجئ الفاسق بالخبر علت توییح بوده است، لذا اگر به جای فاسق، عادل از ارتداد بنی المصطلق خبر بدهد، اینجا دیگر جایی برای توییح نیست. بالاخره اینجا توییح کرده و توییح هم به این جهت است که چرا به خبر یک فاسق ترتیب اثر می‌دهید؟ این معنایش آن است که اگر عادل بود دیگر توییح ندارد. اگر این باشد، معنایش این است که بین عنوان عادل و فاسق فرق است که نسبت به ترتیب اثر دادن به خبر فاسق دارد توییح می‌کند اما نسبت به خبر عادل توییحی وجود ندارد.

حال به محقق نایینی گفته می‌شود طبق پاسخ شما در موضوعات خارجی فرقی بین خبر عادل و فاسق نیست، یعنی همانطوری که خبر فاسق در موضوعات خارجی حجت نیست خبر عادل نیز حجت نیست. بله خبر فاسق در احکام نیز حجت نیست، اما در موضوعات خارجی فرقی نمی‌کند. این لازمه فرمایش محقق نایینی است. لذا اگر آیه بخواهد مفهوم داشته باشد جای پذیرش سخن مستشکل وجود دارد و این پاسخ محقق نایینی صحیح نیست.

خلاصه اینکه اگر ما معتقد باشیم که آیه مفهوم دارد، از آنجا که آیه منشأ توییح را ترتیب اثر دادن بر خبر فاسق قرار داده است و اگر بر خبر عادل اثر مترتب شود توییحی وجود ندارد، این بنابر نظر محقق نایینی که خبر واحد را در موضوعات حجت نمی‌داند مشکل درست می‌کند، طبق نظر محقق نایینی فرقی بین عادل و فاسق در موضوعات خارجی نیست. لذا برای اینکه این مشکل پیش نیاید و این توییح و ملامت بی‌فایده نباشد باید بگوییم آیه مفهوم ندارد. زیرا اگر مفهوم را قبول کنیم مبتلا به یکی از آن دو محذور می‌شویم.

محقق نایینی گفتند چنین محذوری پیش نمی‌آید. ما گفتیم نه، این مشکل وجود دارد و لذا باید مثل مستشکل باید قائل به عدم مفهوم شویم.

تا اینجا اشکال ششم و پاسخ محقق نایینی را بیان کردیم. اشکالی هم که به پاسخ محقق نایینی شده را ذکر کردیم یعنی سه پله را تا اینجا طی کردیم.

پله چهارم و مرحله چهارم پاسخ به این اشکال است که چه بسا به عنوان یک دفاعیه از محقق نایینی محسوب می‌شود.

پاسخ به اشکال

به این اشکال می‌توان از دو راه پاسخ داد:

راه اول

^۱ فوائد الاصول، ج ۳، ص ۱۷۴.

راه اول این است که بگوییم خبر عادل در موضوعات خارجی حجت است یعنی به طور کلی بر خلاف مشهور ملتزم شویم که خبر عادل در موضوعات حجت است. این یک بحث مبنایی است که آیا خبر عادل در موضوعات خارجی حجت است یا خیر؟ جمع زیادی معتقدند که با توجه به اینکه شارع در موضوعات خارجی بینه را حجت کرده دیگر خبر عادل واحد در موضوعات معتبر نیست. در مقابل، عده‌ای قائل هستند خبر واحد در موضوعات حجت است. در این صورت دیگر مشکلی در مفهوم داشتن آیه نیست، زیرا یکی از مفروضات مستشکل این بود که اگر ما بگوییم آیه مفهوم دارد باید بگوییم خبر عادل در موضوعات حجت است در حالیکه این خلاف مشهور است ما می‌گوییم اگر این خلاف مشهور را انجام دهیم، این چه محذوری دارد؟ ما می‌گوییم در موضوعات خارجی مطلق خبر عادل حجت است، این یک راه که یک بحث مبنایی است.

راه دوم

بر فرض ما مثل مشهور حجیت خبر عادل در موضوعات خارجی را نپذیریم و بگوییم حتماً دو عادل باید باشند، یعنی بینه وجود داشته باشد، باز هم از طریق دیگری می‌توان حجیت خبر عادل را ثابت کرد و آن اینکه در زمانی که این آیه نازل شد هنوز بینه به عنوان یک دلیل معتبر در موضوعات خارجی معرفی نشده بود، هنوز حکم لزوم وجود دو عادل در خبر از یک موضوع خارجی مطرح نشده بود، مسلمان‌ها بودند و این آیه؛ طبق این آیه در زمان نزول، خبر عادل مطلقاً حجت بوده، ولی بعداً تخصیص خورده، اینکه بعداً تخصیص خورده مشکلی در معنای این آیه ایجاد نمی‌کند، می‌گوییم ما باشیم این آیه، معنای این آیه این است که اگر فاسق برای شما خبری آورد تبیین کنید، ولی اگر عادل خبر آورد تبیین لازم نیست، این معنایش حجیت خبر عادل است. شما مسئله بینه را مطرح کردید، می‌گوییم مسئله بینه بعداً مطرح شده است، در زمان نزول آیه هیچ مشکلی از این جهت جود نداشته، آیه دلالت بر حجیت خبر عادل دارد، هر چند این معنا و مضمون بعداً به وسیله بعضی از روایات تخصیص خورده و گفته است در موضوعات خارجی خبر عادل به تنهایی کافی نیست، بلکه اخبار عدلین لازم است. پس مشکلی در مفهوم داشتن آیه نیست.

فتحصل مما ذکرنا کله که اشکال ششم مردود است. اشکال ششم توسط محقق نایینی پاسخ داده شد و به ایشان یک اشکالی شد و سپس یک دفاعی از ایشان صورت گرفت. نتیجه این شد که بر فرض پذیرش کبرای کلی مفهوم شرط می‌توانیم بگوییم مفهوم آیه دلالت بر حجیت خبر عادل می‌کند.

«والحمد لله رب العالمین»